



بیانات در سخنرانی نوروزی در اولین روز سال 1403 - 1 / فروردین / 1403

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله فى الارضين.

عید همه‌ی شما مبارک! هر سال این دیدار در زیر سایه‌ی بقعه‌ی مبارک حضرت ابوالحسن الرضا (سلام الله علیه) تشکیل می‌شد؛ امسال از این نعمت محرومیم، [لذا] از دور عرض ارادتى بکنیم: «بُعِدَ مَنْزِلَ نُبُودٍ فِي سَفَرِ رُوحَانِي». (۱) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ وَ قَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَ الرِّمَّ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ. (۲) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابِالْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ.

مجدداً عید سعید را به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز، به همه‌ی ملت ایران تبریک عرض می‌کنم. هم‌زمانی بهار طبیعت و بهار معنویت به معنای این است که خدای متعال هر دو کفه‌ی لطف خود را در معرض استفاده‌ی بندگان خود قرار داده است. البته فاصله‌ی بین این دو، فاصله‌ی از زمین تا آسمان است. امروز، هم نسیم بهار طبیعت و هم نسیم بهار معنویت برای همه‌ی بندگان مؤمن و صالح قابل استفاده است. از قول نبی اکرم نقل شده است که:

گفت پیغمبر به اصحاب کبار

تن می‌وشانید از باد بهار (۳)

چون باد بهار، نسیم فروردین، هم فضا را طراوت میبخشد، به جسمها طراوت و تازگی میدهد و هم مایه‌ی رویش و شکوفایی و شکفتگی است؛ همین معنا نسبت به جان در نسیم معنویت وجود دارد. نسیم معنوی بهار رمضان به جان انسان روشنی و طراوت میبخشد و مایه‌ی رشد و تعالی انسان را فراهم میکند. انس با خدا در ماه رمضان نصیب بنده‌ای میشود که دچار غفلت نباشد. نسیم معنوی رمضان چیست؟ «روزه» است. روزه یکی از نسیم‌های رمضان است؛ لیلۃ‌القدر است، مناجاتهای شب و سحر و روز ماه رمضان است، دعای ابوحمزه است؛ اینها همه نسیم‌های معنوی است که بر جان انسان باعزم‌واراده می‌وزد، به او رشد میدهد، به او طراوت میدهد، او را شکوفا میکند؛ شوق معرفت و شوق عمل را در انسان افزایش میدهد؛ انسان را از حالت کسالت معنوی، بی‌تفاوتی معنوی خارج میکند؛ از انسان، عبد صالح میسازد.

شما در ماه رمضان به سوی صلاح سیر میکنید، میشوید عبد صالح. خدای متعال در دنیا هم به عبد صالح وعده داده است که «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ (۴) این اجر دنیوی عبد صالح است. در آخرت هم «مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»؛ (۵) آنجا هم عبد صالح در ردیف پیامبران است، در ردیف صدیقین است، در ردیف شهدا است. ماه رمضان یک چنین قدرتی دارد، یک چنین هنری دارد که انسان آگاه را، متوجه را، غیر غافل را در این مراتب معنوی پیش ببرد. امیدواریم ان شاء الله ملت عزیز ما و همه‌ی امت اسلامی و همه‌ی بندگان که دلشان با خدا است، از معنویات استفاده کنند، خود را رشد دهند و پیش بروند.

من امروز یک مطلبی را آماده کرده‌ام درباره‌ی شعار امسال عرض بکنم، و یک مطلبی هم – یکی دو نکته – در زمینه‌ی منافع عمومی و ملی کشور که خوب است به عرض ملت ایران برسانیم، عرض خواهیم کرد.



در مورد شعار سال. (۶) آن چیزی که به عنوان شعار سال مطرح میشود، انگیزه این است که هم‌تتها و فکرها متمرکز به این بخش از راهبرد اساسی کشور بشود. شعار سال معمولاً بخشی از راهبرد اساسی کشور است. از یک طرف برای اینکه توجه مسئولین، همّت مسئولین، تلاش مسئولین متوجه این بخش بشود، و از طرف دیگر افکار عمومی مردم و معرفت عمومی مردم مطالبه کند این معنا را، شعار سال را مطرح میکنیم و این سنت سالها در بین ما رواج داشته است.

درباره‌ی آنچه در این شعار در این چند سال وجود داشته است، توجه و تکیه بر امر اقتصادی است. در سال گذشته ما شعار «مهار تورّم و رشد تولید» را مطرح کردیم. گزارشهای رسمی که مورد تأیید هم هست، به ما میگوید که کارهای خوبی در این زمینه انجام شده؛ البته با فاصله‌ی نسبتاً زیادی با آنچه مطلوب ما است. باز هم باید تلاش بشود. لذا من همین‌جا عرض میکنم شعار سال ۱۴۰۲ امسال هم جزو مطالبات ما است، جزو وظایف اساسی ما است، جزو کارهایی است که همه‌ی ما مسئولین و فعالان مردمی بایستی دنبالش باشیم. اما شعار امسال البته برجسته‌تر است. امسال شعار «جهش تولید» است. جهش تولید به نظر کار بزرگ و شاید در نظر بعضی نشدنی بیاید، لکن بنده معتقدم با توجه به بخش دوّم این شعار، یعنی «مشارکت مردم»، شدنی است. اگر ما این توفیق را پیدا کنیم که همّت مردم، سرمایه‌ی مردم، ابتکار مردم، حضور جدّی آحاد مردم را در عرصه‌ی اقتصادی وارد کنیم، در واقع یک بسیج مردمی در امر اقتصاد بکنیم، تولید هم میتواند به جهش برسد.

خب اقتصاد یکی از مسائل اساسی کشور است. یکی از نقطه‌ضعف‌های ما به دلایل گوناگون، مشکلات اقتصادی است. اگر اقتصاد کشور وضع مطلوبی پیدا نکند، در همه‌ی اوضاع عمومی کشور تأثیر خواهد داشت؛ میتوان گفت در دین و دنیای مردم میتواند اثر بگذارد. [بعضی] نگویند که خب کشورهایی هستند از لحاظ ثروت و اقتصاد پیشرفته وضعیتشان خوب است لکن وضع مردم خوب نیست، این به خاطر جهت دیگری است؛ چون به عدالت توجه ندارند، چون به اهمّیت تعالیم دینی و ایمان دینی توجه ندارند؛ علت بدی وضع مردم این است. به هر حال اقتصاد یک عامل بسیار مؤثری است.

سالها است دشمنان تلاش میکنند که اقتصاد کشور را به زانو دریاورند؛ دشمن به طور جدّی [تلاش میکند]؛ ما این را در برخوردهای خصمانه‌ی آمریکا و بقیه‌ی همراهان او در طول زمان احساس کرده‌ایم. مقصودشان فروپاشی اقتصاد ایران است؛ مقصودشان به زانو درآوردن کشور از لحاظ اقتصادی است. البته با همّت جوانان ما و تلاشهای فراوانی که در این کشور از سوی مردم و مسئولین انجام گرفته، دشمن موفق نشد و به حول و قوه‌ی الهی باز هم موفق نخواهد شد. ولی به هر حال دشمن در قضیه‌ی اقتصادی علیه جمهوری اسلامی پیگیر است، فعال است؛ ما هم باید فعال باشیم، باید پیگیر باشیم، بایستی مصمّم در این راه حرکت کنیم، با فکر درست و تلاش خستگی‌ناپذیر و شبانه‌روزی.

برای اینکه اقتصاد کشور شکوفا بشود، همه‌ی چرخ‌دنده‌های بزرگ و کوچک کشور باید به کار بیفتد؛ همه باید تلاش کنند؛ هم از زیرساخت‌های کشور استفاده بشود، هم از ابتکارات مردمی استفاده بشود، هم از قدرت مدیریت فعالان اقتصادی و فعالان مدیریتی استفاده بشود؛ از نیروهای جوان تحصیل کرده به معنای واقعی کلمه بایستی استفاده بشود؛ از شرکتهای دانش‌بنیان بایستی حمایت بشود؛ اینها همه ابزارهایی هستند، وسایلی هستند که اگر به طور مجموع مورد توجه قرار بگیرند، بدون شک، اقتصاد کشور را به شکوفایی خواهند رساند. البته با تلاش بی‌وقفه‌ی



مسئولین که بحمدالله دولت کنونی، دولتی است که از لحاظ تلاش و تحرک و فعالیت، انصافاً نمره‌ی بالایی میگیرد و تلاششان، تلاش خوبی است. خب این، آن چیزی است که در شعار امسال، مورد نظر ما بوده. ما معتقدیم بایستی بر روی مسئله‌ی اقتصاد تکیه بشود و برای موفقیت در این راه، از مشارکت مردم به معنای واقعی کلمه استفاده بشود؛ می‌خواهیم همه‌ی نیروها در این راه بسیج بشوند. این هنر مسئولین ما است که بایستی ان‌شاءالله راهش را پیدا کنند و این حرکت را انجام بدهند.

امسال اولین سال شروع برنامه‌ی هفتم توسعه است؛ (۷) برنامه‌ی هفتم امسال شروع میشود. خب، هدف کلی برنامه‌ی هفتم، شکوفایی اقتصاد، همراه با عدالت است. لکن برای پایان این برنامه اهدای را ذکر کرده‌اند که این اهداف خیلی مهم است: تک‌رقمی کردن تورم؛ اصلاح ساختار بودجه؛ تحوّل در نظام مالیاتی؛ تولید حداقل نود درصد از کالاهای اساسی در داخل کشور – اینها کارهای بزرگی است – افزایش بهره‌وری آب کشاورزی – که این از مشکلات کشور است و در این برنامه‌ی هفتم مورد توجه قرار گرفته – و طرحهای عظیم ملی بزرگ. خب، اگر ما بخواهیم به این اهداف دست پیدا کنیم، به نظر من بدون حضور مردم ممکن نیست، بایستی با حضور مردم انجام بگیرد. من می‌خواهم ملت ایران به این توجه کنند؛ البته هر کسی توانایی‌هایی دارد، همه در یک حد نیستند، همه یک جور نیستند، کمکه‌ها همه از یک نوع نیست، اما مجموع کمکه‌ها از سوی مردم – که بایستی اینها برنامه‌ریزی بشود – میتواند ما را به این هدفها برساند. (۸) (خیلی ممنون از این اظهار آمادگی). بنده مطمئنم مردم ما آماده‌اند، منتها بایستی راه برای حضور در میدان عمل پیدا بشود و در میدان عمل ان‌شاءالله این آمادگی نشان داده بشود؛ همچنان که در دفاع مقدّس نشان داده شد. در دفاع مقدّس، مردم آمادگی خودشان را از همه جهت نشان دادند. ما در همه‌ی زمینه‌های مشکل بایستی ان‌شاءالله این کار را انجام بدهیم. البته در باب علم، در باب اخلاق، در باب هنر، در باب فرهنگ، در کارهای مهمّ دیگر کشور هم همین بسیج عمومی کارگشا است، و لازم است، لکن فعلاً بحث ما در مسئله‌ی اقتصاد است.

بنده معتقدم بخش مردمی و توانایی‌های مردمی بالا است. همین اواخر در همین حسینیه یک نمایشگاهی ترتیب دادند که بنده فعالیت‌های تولیدی بخش خصوصی را و آنچه را مردم با سرمایه‌ی خودشان و با ابتکار خودشان انجام داده بودند، از نزدیک ببینم؛ (۹) من آمدم تقریباً چهار ساعت یا شاید بیش از چهار ساعت صرف وقت کردم، مفصلاً این برنامه‌های مردمی را دیدم؛ شگفت‌آور بود، بسیار خوب بود، نشان‌دهنده‌ی ظرفیت بالای توان مردمی در تولید و در ابتکارات اقتصادی بود. بسیاری جوان [بودند]؛ جوانها آمدند اینجا صحبت کردند که با ابتکارات خودشان کارهای بزرگی را در زمینه‌ی اقتصاد انجام داده‌اند. پس ظرفیت وجود دارد، توانایی‌ها وجود دارد، این توانایی‌ها را بایستی استفاده کرد؛ در بخشهایی مثل صنایع بزرگ، مثل بهینه‌سازی مصرف آب، مثل بخش نفت، مثل بخش صنایع دستی، مثل حمل‌ونقل، در همه‌ی اینها، نیروهای جوان و مبتکر و خلاق تلاش کرده‌اند، کار کرده‌اند، کارهای برجسته‌ای را انجام داده‌اند.

ما البته در زمینه‌ی اقتصاد، تحرک خارجی و بین‌المللی هم داریم و باید داشته باشیم و بدون آن، کار اقتصاد پیش نخواهد رفت. مخاطب من در اینجا دیگر مسئولین محترم دولتی هستند؛ در زمینه‌ی مسائل خارجی بایستی با کشورهایی که ارتباط اقتصادی داریم، این تفاهم‌نامه‌هایی را که امضا میشود و چندان تأثیری ندارد، تبدیل کنند به قراردادهای حقوقی قابل عمل و قابل اجرا که در عمل، اثری داشته باشد؛ باید این را به طور جد دنبال کنند.



یک نکته‌ی دیگر مسئله‌ی بهره‌وری است که من واردش نمیشوم؛ اگر عمری بود، در آینده راجع به بهره‌وری صحبت میکنم. بهره‌وری ما در کشور کم است؛ آن مقداری که سرمایه مصرف میکنیم - چه آب، چه برق، چه وقت، چه عمر - به تناسب سرمایه و آنچه مصرف میکنیم، بهره‌مندی و بهره‌وری به وجود نمی‌آید. این کارها، کارهایی است که علاج دارد؛ اینها تجربه شده است؛ در این زمینه هم بایستی ان شاء الله کارهایی انجام بگیرد. خب، اینها مربوط به مسائل شعار سال بود. البته این شعاری که امسال مطرح کردیم، مربوط به یک سال نیست، مخصوص به یک سال نیست؛ این ادامه دارد. اینها کارهایی هم نیست که در یک سال تمام بشود؛ بایست در امسال - سال ۱۴۰۳ - ان شاء الله مسئولین همت کنند گام اول را بردارند، برنامه‌ریزی بکنند و بعد ان شاء الله ادامه پیدا بکند. این راجع به این مسئله.

البته دغدغه‌ای وجود دارد که بعضی از افرادی که دلسوزانه نسبت به مسائل کشور نگاه میکنند، این دغدغه را دارند که اگر چنانچه ما سرمایه‌های مردم را، امکانات مردم را وارد مسائل اقتصادی بکنیم، ممکن است که به سوء استفاده و تبعیض و شکافهای طبقاتی و به فساد و مانند اینها منجر بشود که قبلاً شده؛ البته این نگرانی بجا است. در گذشته کسانی بودند از امکانات دولتی استفاده کردند، از وام استفاده کردند، از ارز استفاده کردند، نه در آن مسیری که باید استفاده میکردند؛ مسیر را عوض کردند، سوء استفاده کردند، فساد به وجود آمده، تبعیض به وجود آمده؛ اینها هست؛ این اقتضا میکند که مسئولین امر چشمشان را باز کنند، دقت کنند و هر کاری که انجام میدهند، با مراقبت کامل انجام بگیرد؛ این جزو چیزهای لازم و اهتمامها و مراقبتهای ضروری و لازم است. خب این بحث در مورد شعار [سال] و مسائل اقتصاد را به همین جا پایان میدهم و اکتفا میکنم.

یکی دو نکته درباره‌ی مسائل عمومی کشور عرض میکنم. نکته‌ی اول این است که امروز منافع ملی ما و افق روشن آینده‌ی ما وابسته است به «امید» و «ایمان» که من قبلاً درباره‌ی این، یک بحث مفصّلی در سال ۱۴۰۲ کرده‌ام. (۱۰) این را میخواهم تأکید کنم: امید و ایمان. اگر فروغ امید در دلها خاموش بشود هیچ حرکتی اتفاق نمی‌افتد. ما این همه ظرفیت برای پیشرفت داریم، این همه جوان مستعد داریم، این ملت آماده‌به‌کار و پای کار را داریم، این منابع کم‌نظیر طبیعی را داریم، این موقعیت جغرافیایی ممتاز را داریم؛ ما میتوانیم پیشرفت کنیم؛ پیشرفتهای بزرگی بکنیم. از اول انقلاب تا امروز هم خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ حالا دشمنان کتمان میکنند، بعضی‌ها هم بیانش را درست بلد نیستند، اما بیش از اینها ما امکان پیشرفت داریم؛ لکن این پیشرفتهای در صورتی امکان‌پذیر است که من و شما به آینده امیدوار باشیم؛ امید داشته باشیم؛ بدانیم میشود پیش رفت، میشود کار کرد، میشود حرکت کرد.

عوامل امیدزا هم در کشور بحمدالله کم نیست؛ چیزهایی که در انسان امید ایجاد میکند، در کشور فراوان است؛ همین پیشرفتهای علمی در عرصه‌ی صنعت، در عرصه‌ی سلامت، در عرصه‌ی فضا، در عرصه‌ی سیاست و پیشرفتهایی که در سیاست خارجی داشتیم و آنچه در کشور به صورت امنیت مورد توجه است؛ امنیتی که در کشور وجود دارد. در بیست و دوّم بهمن چند میلیون افراد ما در سرتاسر کشور حرکت میکنند، بحمدالله با امنیت کامل؛ انتخابات صورت میگیرد با امنیت کامل؛ کمتر جایی در دنیا این ثبات، این امنیت، این حضور مردمی، این پیشرفتهای سریع و شگفت‌آور وجود دارد؛ خب اینها عوامل امیدزا است. اینها به ما امید میبخشد؛ حسّ عزّت را، حسّ افتخار را در مردم ما تقویت میکند.

همین حالا هزاران گروه جوان در سرتاسر کشور در عرصه‌های مختلف مشغول فعالیتند؛ بعضی را ما به اجمال اطلاع



داریم، بعضی را به تفصیل اطلاع داریم. به معنای واقعی کلمه هزاران گروه جوان، پُرتوان، پُرانگیزه، با شوق مشغول کار و تلاشند؛ تحقیقات علمی میکنند، تحقیقات صنعتی میکنند. در صنعت، در کشاورزی فعالیت میکنند. در سلامت، در امور پزشکی کار میکنند؛ کاوشهای علمی میکنند. در حوزه‌های علمی علمیه جوانهای فاضل و با استعداد در زمینه‌های معارفی کار میکنند؛ کارهای جدید، حرفهای نو. فعالیت‌های فرهنگی در سرتاسر کشور، در جاهای مختلف، در نویسندگی، در تولید کتاب، در شعر، در سینما، در هنر، در نقاشی، در هنرهای تجسمی، در فعالیت‌های تبلیغی و دینی، در رونق بخشیدن به فضای جامعه [انجام میگیرند]. این راه‌پیمایی‌های عظیمی که به مناسبت اربعین، به مناسبت اعیاد نیمه‌ی شعبان، غدیر و غیره در سرتاسر کشور انجام میگیرد، کار همین جوانها است. اینها همه عوامل امیدزا است؛ از اینها پیدا است جوانهای ما فعالند. توانهای تبلیغاتی ما متأسفانه آنچنان رسایی لازم را ندارد که بتواند آنچه را اتفاق می‌افتد، در معرض دید مردم قرار بدهد. اینها همه جلوه‌های امیدزا در کشور است؛ مظهر نشاط کشور است، مظهر امیدواری کشور است. این نشان میدهد که مجموعه‌ی ملت ما، بخصوص جوانهای ما، بانشاطند، باحرکتند، باابتکارند، امیدوارند.

خب، از آن طرف انسان میبیند بعضی افراد به نظر بنده غافل منفی‌بافی میکنند؛ هم وجود امید در جوانها را انکار میکنند، هم سعی میکنند امید را از دلها زایل کنند! چرا؟ این کار به نفع چه کسی است؟ قلمش را به کار می‌اندازد برای اینکه استدلال کند که به آینده نمیشود امیدوار بود! اینها وجود دارد؛ اینها یک چیزهایی است که بنده خودم میبینم. مقاله مینویسد، استدلال میکند که به آینده نباید امیدوار بود؛ خب چرا؟ چرا با این همه عوامل امیدزا نباید امیدوار بود؟ مثل اینکه کمین گرفته‌اند که روح امید را در جوانها از بین ببرند و بمیرانند. سالها است دشمن این کار را دارد میکند [اما] موفق نشده. سالها است با تبلیغات گوناگون، با انواع و اقسام ترفندهای تبلیغی و رسانه‌ای و مانند اینها دارند تلاش میکنند، ضعفهای ما را بزرگ‌نمایی میکنند. خب ما در کشور ضعفهایی داریم، آن را ده برابر بزرگ میکنند؛ پیشرفتهایی داریم، آنها را مسکوت میگذارند، گاهی انکار میکنند! فرض بفرمایید که مسئولین نظامی ما یک ابزار دفاعی را، یک موشک را تولید میکنند، پرتاب میکنند، [اما] در تبلیغات آنها گفته میشود که این دروغ است؛ [در حالی که] پرتاب کردنش جلوی چشم است! یعنی دشمن دارد این کار را میکند اما چرا [بعضی] در داخل کشور این کار را بکنند؟ بعضی از افراد به نظر من این غفلت را [میکنند]؛ ما نبایستی به خودمان اجازه بدهیم این غفلت را [بکنیم]، نباید این خطا را مرتکب بشویم.

من به جوانهای عزیز توصیه میکنم، میگویم جوانها جلوتر از نقشه‌ی دشمن حرکت کنند؛ جوانها جلوتر از نقشه‌ی دشمن حرکت کنند. دشمن میخواهد مایوس کند شما را، شما بیش از آنچه او برای ناامید کردن تلاش میکند، تلاش کنید برای ایجاد امید، برای شکوفایی امید در دلهای جوانها. دشمن، هم در سطح ملی، هم در سطح بین‌المللی، میخواهد بعضی از صداها به گوشها نرسد؛ شما علی‌رغم دشمن این صداها را به گوشها برسانید. امروز ابزارهای گوناگونی در اختیار همه هست. این یک نکته بود.

نکته‌ی بعدی در باب منافع ملی، مسئله‌ی اتحاد دل‌های مردم است؛ اتحاد عزمها و اراده‌های مردم است. ما در این زمینه متأسفانه مشکلاتی داریم، عقب‌افتادگی‌هایی داریم؛ ارتباط و همدلی اجتماعی خیلی مهم است؛ در این زمینه دچار غفلت شدیم؛ خودمان به دست خودمان در وحدت ملی مان اختلال ایجاد میکنیم. همه‌ی ما در این غفلت شریکیم؛ همه‌ی ما وظیفه داریم که وحدت ملی را، اتحاد مردم را، اتحاد مردم و مسئولین را حفظ کنیم؛ روزبه‌روز آن را تقویت کنیم؛ این سیاست قطعی نظام جمهوری اسلامی از روز اوّل بوده است. امام بزرگوار از روز اوّل روی یکی از



چیزهایی که همیشه تکیه میکرد، مسئله‌ی «اتحاد» بود. بعضی‌ها با یکدیگر سر مسائل جناحی، مسائل سیاسی اختلاف پیدا میکردند، امام (رضوان الله علیه) به اینها نهیب میزد و میگفت: «هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید». (۱۱) اختلاف فکری، اختلاف سلیقه، اختلاف سیاسی در یک کشور یک امر طبیعی است، اما نفرت‌پراکنی غیر از اینها است. خب یک نظری شما دارید، یک نظری دیگری دارد، اینها با همدیگر یکسان نیست، اشکالی هم ندارد، اما این نباید موجب نفرت‌پراکنی بشود، نباید افراد را از یکدیگر متنفر بکند، دشمن یکدیگر بکند، اجازه بدهد که هر کدام علیه یکدیگر، علیه آن دیگری، به هر وسیله‌ای که ممکن است، موجب اهانت و آزار و مانند اینها بشوند؛ احیاناً با افترا و دروغ و مانند این چیزها هم همراه بشود که خب این خیلی مشکل است. به نظر من رقابتهای داخلی به جای خودش محفوظ – البته در داخل کشور در زمینه‌ی مسائل گوناگون سیاسی و غیره، رقابتهایی وجود دارد، این به جای خود محفوظ – اما همه باید با هم باشند، همراه باشند. در یک خانواده ممکن است دو برادر با هم دو سلیقه‌ی مختلف داشته باشند اما برادری‌شان از بین نمیرود؛ کار به دشنام و دروغ و اهانت و مانند اینها نباید بکشد؛ این را همه باید مراقبت کنند. این هم مسئله‌ی اساسی و مهمی است، تأکید میکنم و توصیه میکنم به جوانهای عزیزمان که سعی کنند در داخل جامعه نفرت‌پراکنی انجام نگیرد. خب اختلاف سلیقه‌ای وجود دارد، اشکالی هم ندارد اما همه با هم برادروار در کنار هم، روی مسائل کلی جامعه و در مقابله و مواجهه‌ی با مخالفین کشور، مخالفین جمهوری اسلامی، مخالفین ملت ایران، یکسان بایستند و حرکت کنند.

در مسائل مهم بین‌المللی، امروز مسئله‌ی درجه‌ی یک، مسئله‌ی فلسطین و غزه است؛ در این زمینه هم من چند جمله‌ای را عرض میکنم. «مقاومت» در منطقه‌ی غرب آسیا امروز مسئله‌ی اساسی‌ای است که دنیا را به خودش متوجه کرده. از چند زاویه میشود به مسئله‌ی فلسطین نگاه کرد.

اولاً قضایای غزه نشان داد که چه ظلمی و چه ظلمتی بر دنیا حاکم است. این دنیای غرب، این دنیای به اصطلاح متمدن که ادعای حقوق بشر و امثال اینها میکنند، نشان دادند که چه ظلمتی بر زندگی اینها، بر افکار اینها، بر عمل اینها حاکم است. بیش از سی هزار نفر قتل‌عام میشوند، از کودک نوزاد تا نوجوان‌ها، تا جوانها، تا پیرها، زن، مرد، تا بیمارها؛ در ظرف مدت کوتاهی سی و چند هزار نفر از اینها نابود میشوند، خانه‌هایشان خراب میشود، زیرساخت‌های کشورشان از بین میرود، دنیای متمدن نگاه میکند؛ نه فقط جلوگیری نمیکند، کمک هم میکنند! در همان روزهای اول تهاجم وحشیانه‌ی رژیم صهیونیستی به مردم غزه، آمریکایی‌ها مرتب رفت‌وآمد کردند، اروپایی‌ها یکی پس از دیگری دائماً رفت‌وآمد کردند، همراهی خودشان و پشتیبانی خودشان را از جنایت‌کاران صهیونیست نشان دادند، صریحاً اعلام کردند؛ فقط هم اعلام نبود، سلاح فرستادند، امکانات فرستادند، انواع و اقسام کمکها را کردند. ظلمت دنیای امروز این است؛ ما امروز با این دنیا مواجهیم. این یک نگاه؛ این نگاه از یک زاویه که نشان‌دهنده‌ی وضعیت دنیای امروز بود.

از زاویه‌ی دیگر که نگاه کنیم، این قضیه، حقانیت تشکیل جبهه‌ی مقاومت را نشان داد. بعضی مطرح میکردند که خب این جبهه‌ی مقاومت در غرب آسیا چه لزومی داشت؛ نشان داده شد که حضور جبهه‌ی مقاومت در این منطقه جزو حیاتی‌ترین مسائل است؛ روزبه‌روز هم بایست این جبهه‌ی مقاومت تقویت بشود. طبیعی است انسانهایی که وجدان بیدار دارند در این منطقه، وقتی ظلم صهیونیست‌ها را می‌بینند – که هفتاد سال است این ظلم ادامه دارد – ساکت نشینند، آرام نشینند، به فکر مقاومت بیفتند؛ تشکیل جبهه‌ی مقاومت برای این است؛ برای مواجهه‌ی با این ظلم مستمر دائمی جنایت‌کاران صهیونیست علیه ملت فلسطین و حامیان فلسطین است.



[اگر] از یک زاویه‌ی دیگر به این مسئله نگاه کنیم، می‌بینیم که در این چند ماه اخیر، جبهه‌ی مقاومت از وضع واقعی خود رونمایی کرد. شاید نه آمریکایی‌ها، نه غربی‌ها، نه دولتهای منطقه، قدرت مقاومت و توانایی مقاومت در این منطقه را آن طوری که واقعاً وجود داشت و وجود دارد نمیدانستند؛ حالا فهمیدند. این مقاومت فلسطین را شما نگاه کنید! این صبر مردم مظلوم غزه را ببینید! این اراده و انگیزه‌ی مبارزان مقاومت فلسطینی از حماس و بقیه‌ی گروه‌ها را مشاهده کنید! این قدرت اراده در مقاومت را، در لبنان، در یمن، در عراق ببینید! این مقاومت، این [جور] است. مقاومت از وجود واقعی خود، از توانایی‌های خود، از وضع خود رونمایی کرد؛ به دنیا نشان داد که مقاومت یعنی چه. همه‌ی محاسبات آمریکا را اینها به هم ریختند. آمریکایی‌ها در این منطقه درصدد آن بودند که با حضور خودشان بر همه‌ی اوضاع و احوال این منطقه حاکمیت پیدا کنند؛ چه در عراق، چه در سوریه، چه در لبنان، چه در همه‌ی منطقه؛ با یک محاسبه‌ی غلط، یک چنین فکری میکردند؛ قدرت مقاومت این محاسبه را به هم ریخت؛ نشان داد که چنین چیزی ممکن نیست و آمریکایی‌ها نمیتوانند در این منطقه بمانند؛ ناچارند منطقه را تخلیه کنند.

یک نکته‌ی دیگر، یک زاویه‌ی دیگر برای دیدن این مسئله این است که وضعیت رژیم صهیونیستی هم برای همه روشن شد؛ معلوم شد که رژیم صهیونیستی نه فقط در حفاظت از خود دچار بحران است، بلکه در بیرون آمدن از بحران هم دچار بحران است؛ در باتلاق گیر میکند، نمیتواند خودش را نجات بدهد. ورود رژیم صهیونیستی در غزه برای او ایجاد باتلاق کرد؛ امروز اگر از غزه بیرون بیاید، شکست خورده، بیرون هم نیاید، شکست خورده؛ وضع رژیم صهیونیستی این جور است. همین تناقضی که در تصمیم‌های آنها وجود دارد و سرگیجه‌ای که به آن دچار هستند، موجب شده در داخل رژیم صهیونیستی اختلافات عمیق بین مسئولین رژیم صهیونیستی، بین خودشان به وجود بیاید که نتوانند تصمیم بگیرند؛ امروز رژیم صهیونیستی نمیتواند تصمیم بگیرد؛ این او را به سقوط هر چه بیشتر ان شاء الله نزدیک میکند.

و اما آمریکا. آمریکا در مسئله‌ی غزه بدترین وضعیت ممکن را [پیش] گرفت؛ آمریکا بدترین وضعیت ممکن را در منطقه‌ی غزه انتخاب کرد؛ کاری کرد که در همه‌ی جهان منفور شد. این کسانی که در خیابانهای لندن و پاریس و بقیه‌ی کشورهای اروپایی و خود آمریکا به نفع فلسطین تظاهرات میکنند، اینها در واقع اعلام نفرت از آمریکا میکنند؛ آمریکا در دنیا منفور شد؛ در منطقه منفور بود، ده برابر بیشتر منفور شد. هم فهمشان از مسائل منطقه غلط است، هم تصمیم‌هایشان که بر اساس این فهم میگیرند غلط است. در هر کجای این منطقه – در یمن، در عراق، در سوریه، در لبنان – هر اقدامی از سوی نیروهای مبارز و شجاع مقاومت انجام میگیرد، آمریکایی‌ها در محاسباتشان آن را به ایران نسبت میدهند؛ قطعاً این محاسبه‌ی غلط، آمریکا را بالاخره به زانو درخواهد آورد. مردم را نمی‌شناسند؛ به ملت‌ها و به جوانهای شجاع این ملت‌ها هم اهانت میکنند؛ اینها خودشان اهل فکرند، اهل اراده‌اند، عزم راسخ دارند، شجاعند.

ما البته از مقاومت دفاع میکنیم. ما تا آنجایی که برایمان امکان داشته باشد، از گروه‌های مقاومت حمایت و پشتیبانی هم میکنیم، از کار آنها تمجید هم میکنیم، اما آنها خودشان هستند که دارند تصمیم میگیرند و حرکت میکنند و در این حرکت، حق با آنها است. ما معتقدیم به وسیله‌ی وجود رژیم صهیونیستی، ظلم بزرگی در منطقه دارد انجام میگیرد؛ این ظلم بسیار بزرگی است که ده‌ها سال است این ظلم ادامه دارد؛ این ظلم باید قطع بشود. هر کسی در این جهاد بزرگ – جهاد انسانی، جهاد اسلامی، جهاد وجدانی – وارد بشود، ما طرفدار او هستیم، از او حمایت میکنیم، به او کمک میکنیم و به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی الهی به مقصود خودمان هم نائل خواهیم



شد.

والسلام عليكم ورحمة الله و بركاته

- ۱) حافظ. دیوان، غزلیات ؛ «گرچه دوریم به یاد تو سخن میگویم / بعد منزل نبود در سفر روحانی»
- ۲) کامل الزیارات، ص ۳۹
- ۳) مولوی. مثنوی معنوی، دفتر اول. اشاره به حدیث «إِغْتَنِمُوا بَرْدَ الرَّبِيعِ فَإِنَّهُ يَفْعَلُ بِأَبْدَانِكُمْ مَا يَفْعَلُ بِأَشْجَارِكُمْ» ؛ بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۲۷۱.
- ۴) سوره ی انبیاء، بخشی از آیه ی ۱۰۵ ؛ «... زمین را بندگان شایسته ی ما به ارث خواهند برد.»
- ۵) سوره ی نساء، بخشی از آیه ی ۶۹
- ۶) «جهش تولید با مشارکت مردم». ر.ک: بیانات به مناسبت آغاز سال جدید (۱۴۰۳/۱/۱)
- ۷) برنامه ی هفتم توسعه ی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۷
- ۸) شعار حضار: «ای رهبر آزاده آماده ایم آماده»
- ۹) بازدید از نمایشگاه توانمندی های تولید داخلی در حسینیه ی امام خمینی (۱۴۰۲/۱۱/۹)
- ۱۰) ر.ک: بیانات در مراسم سی و چهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) (۱۴۰۲/۳/۱۴)
- ۱۱) صحیفه ی امام، ج ۱۱، ص ۱۲۱ ؛ سخنرانی در جمع پاسداران تهران (۱۳۵۸/۹/۴)